

مقاله‌ی کوتاه

کندوکاوی در واژه‌ای از گرشاسب‌نامه‌ی اسدی طوسی

«شکاوند» اسمی خاص یا واژه‌ای در معنی «دره»

اسدی طوسی افزون بر جایگاه برجسته‌اش در شعر و شاعری، از چهره‌های شاخص در حوزه‌ی لغت و واژه‌پردازی زبان فارسی به‌شمار می‌رود و گرشاسب‌نامه‌ی او مجموعه‌ای غنی از واژگان کهن، مهجور و گاه منحصر به فرد است. یکی از این واژگان، «شکاوند» است که در فرهنگ‌های فارسی، به تبع یکدیگر، عموماً به‌عنوان اسم خاص و با فتح شین ضبط شده است. این پژوهش با طرح این مسئله که «شکاوند» در گرشاسب‌نامه اسم خاص نیست، می‌کوشد با تکیه بر تحلیل بافت کلامی، بررسی ساختمان واژه و قاموس شاعرانه‌ی اسدی طوسی با نگاهی به برخی از نسخه‌های خطی این اثر حماسی، خوانشی تازه از آن ارائه دهد. جستار حاضر نشان می‌دهد که کاربردهای مکرر واژگان هم‌معنا با «دره» در اشاره به لفظ «شکاوند»، همراه با تحلیل ساخت واژه و توجه به ویژگی‌های قاموس شاعرانه‌ی اسدی طوسی، مؤید آن است که «شکاوند» واژه‌ای عام و احتمالاً ساخته‌ی خود شاعر است که در معنی «دره» به کار رفته و ضبط آن به کسر شین «شکاوند» موجه‌تر می‌نماید. دیگر یافته‌ی این پژوهش حاکی از آن است که احیاناً پس از اسدی، واژه کم‌کم و در امتداد زمان به اسم خاص تبدیل شده است. این مطالعه با ترسیم سیر تحوّل این واژه از یک ابداع شاعرانه تا یک جای‌نام، نشان می‌دهد که ضبط و تفسیر واژگان کهن، بدون توجه به بافت متن، ساخت زبانی و تطور تاریخی واژه، می‌تواند به برداشت‌های نادقیق یا اشتباه بینجامد.

واژگان کلیدی: اسدی طوسی، شکاوند، گرشاسب‌نامه، تحلیل واژگانی، دره

۱. مقدمه

ضبط صحیح معنا و تلفظ واژگان کهن، به‌ویژه واژه‌هایی که بسامد اندکی در متون فارسی دارند، از دشوارترین حوزه‌های پژوهش‌های واژگانی است. این دشواری در حوزه‌ی ادبیات حماسی که روایت‌گر اسطوره‌ها و آیین و رسوم چندین هزار ساله هستند نسبت به سایر متون نمایان‌تر و چشم‌گیرتر است، به‌طوری‌که گاهی یک ضبط غلط می‌تواند به برداشت‌های نادقیق و بعضاً نامربوط بینجامد. *گرشاسب‌نامه‌ی اسدی طوسی*، به سبب برخورداری از شمار فراوانی از لغات مهجور و ترکیبات بدیع و منحصربه‌فرد، از متونی است که در ضبط معنا و تلفظ واژگان آن، این‌گونه لغزش‌ها به مراتب بیشتر رخ می‌دهد.

واژه‌ی «شکاوند» از جمله‌ی این موارد است. این واژه یک بار در *گرشاسب‌نامه* (اسدی، ۱۳۸۹: ۷۱) آمده‌است. البته واژه‌ی «سکاوند» نیز که یک بار در *گرشاسب‌نامه* آمده‌است (همان: ۷۱) احتمالاً مصحف همین واژه باشد. فرهنگ‌نویسانی که واژه را ضبط کرده‌اند اغلب، به تبع یکدیگر، آن را **اسم خاص** و با فتح شین دانسته‌اند؛ از جمله: فرهنگ جهانگیری (انجو شیرازی، ۱۳۵۱: ج ۲، باب کاف، فصل شین منقوطة: ۱۵۳۱-۱۵۳۰) واژه را به‌عنوان اسم خاص و به معنی «نام کوهی» ضبط کرده و بیت زیر را به عنوان شاهد مثال ذکر کرده‌است:

گرفته نشیمن شکاوند کوه همی دارد از رنج گیتی ستوه

فرهنگ نفیسی (ناظم‌الاطباء) نیز بدون ذکر شاهد مثال، آن را اسم خاص دانسته (نفیسی، ۱۳۵۵: ج ۳: ۴۸۴) *لغت‌نامه‌ی دهخدا* (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «شکاوند») با نقل از دو فرهنگ پیشین، همین دیدگاه را تکرار کرده و بیت زیر را نیز به عنوان شاهد دیگری آورده‌است:

به راه شکاوند چون باد تفت شب قیرگون روی بنهاد و رفت

در مقابل، هیچ یک از فرهنگ‌های کهن یا معاصر، این واژه را به صورت اسم عام و در معنی «دره» ضبط نکرده‌اند و آنچه در این پژوهش ارائه می‌شود، خوانشی تازه و مبتنی بر تحلیل متنی است.

به غیر از منابع لغت‌نامه‌ای یادشده، دو اثر با محوریت واژگان *گرشاسب‌نامه* تا کنون به طبع رسیده‌است. یکی پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی/اعلام *گرشاسب‌نامه* /*اسدی طوسی*» است که واژه مورد بحث را به صورت «سکاوند» ضبط کرده‌است و به نقل از فرهنگ *آنندراج* می‌افزاید: «نام قریه‌ای است به روستای غزنین و معرب آن ساوند است» (ر.ک: عظیم‌زاده، ۱۳۹۵: ۹۳). دومین اثر که به لحاظ شیوه‌های اجرایی و تمرکز بر واژه‌ای واحد، مشابه این پژوهش است به قلم اصغر ابراهیمی وینیچه، محسن محمدی فشارکی و محمود براتی خوانساری و تحت عنوان «تلک / طاق / تاک / تاگ؟ بررسی کلمه‌ای در *گرشاسب‌نامه‌ی اسدی طوسی*» (۱۴۰۰: ۲۷۵-۲۸۶) در مجله‌ی شعرپژوهی دانشگاه شیراز چاپ شده است. اما تا به حال مقاله‌ای مستقل با موضوع «شکاوند» در پایگاه‌های علمی معتبر منتشر نشده‌است.

ضبط تلفظ و معنی دقیق واژگان کهن و مهجور ادب فارسی، به‌ویژه آن دسته از واژگانی که سبک شخصی نویسنده را در لغت‌سازی و عبارت‌پردازی، منعکس می‌کنند، همواره با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده‌است. بررسی دقیق کاربرد واژه‌ی «شکاوند» در متن *گرشاسب‌نامه*، همراه با اشارات متنی، ساختمان واژه و سبک شخصی اسدی به عنوان شخصیتی شاعر